

کتابت در ایران از دوران باستان تا قرون اولیه اسلامی

دکتر مهروز بهروزی

استادیار گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mehrnaz_behroozi@yahoo.com

محمد مهدی جهان پرور

کارشناس ارشد گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Jahan5051@yahoo.com

چکیده

از دوران باستان خواندن و نوشتن در میان ایرانیان از اهمیت به سزایی برخوردار بوده است. این موضوع را می توان از اختراع خط و زبان پارسی در عهد هخامنشی تا رشد و تحول کتابت در عصر ساسانی دریافت. با وجود آن که سنت کتابت در ایران آنگونه که باید شکل نگرفته است، اما بدان معنا نیست، که فرهنگ ایرانی به کل با کتابت بیگانه بوده است، زیرا پادشاهان ایران، بسیاری از اسناد دولتی و تجاری را مکتوب و نگهداری می کردند. در این مقاله ضمن بررسی تطور کتابت در ایران از دوران باستان تا پایان قرون اولیه اسلامی به شناسایی کتاب ها و رساله های گردآوری شده ایرانیان به ویژه در قرن سوم و چهارم هجری پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: کتابت، خط و زبان پارسی، ایران، دوران باستان، قرون اولیه اسلامی

زبان و خط را می توان منشأ مهمی در ارتقاء و غنای فرهنگ و تمدن بشری دانست، چرا که نقش مهمی در ایجاد سنت کتابت و تفهیم و انتقال مطالب دارد. به نظر می رسد، نوشته ها و کتاب های ایرانیان به پیش از اختراع کاغذ بر می گردد، زیرا ایرانیان تمدنی بسیار کهن داشتند، و پیدایش خط و زبان، وجود اسناد مکتوب را تأیید می کند. زبان پارسی باستان بعد از اوستا اولین زبان ایرانیان بود، و خط میخی، در قالب سنگ نوشته ها تجلی یافت. بعدها خط و زبان پارسی متحول شد، و با رشد و گسترش آن، علوم و کتابت نیز رشد و گسترش پیدا کرد. با وجود آن که بسیاری از آثار و روایات به صورت شفاهی و سینه به سینه منتقل می شده است، اما به دلیل حجم فراوان مطالب و متون شفاهی و نیز ایرادهایی که ملل صاحب کتاب بر زرتشتیان گرفتند، روحانیون و موبدان زرتشتی به کتابت، به ویژه در قرون سوم و چهارم هجری روی آوردند. بررسی ها نشان می دهد، که زبان و ادب فارسی نقش بسیار مهمی در انتقال و تثبیت فرهنگ و ایجاد همبستگی ایرانیان داشته است. در این پژوهش تلاش شده است، با بهره مندی از داده ها و اطلاعات اسنادی و کتابخانه ای و تجزیه و تحلیل کیفی آن، به بررسی سیر تطور کتابت و شناسایی کتاب ها و رساله های گردآوری شده در ایران از دوران باستان تا پایان قرون اولیه اسلامی به روش توصیفی- تحلیلی پرداخته شود. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. ابتدا منابع و مأخذ مرتبط با موضوع تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته و جمع آوری اطلاعات نیز به صورت فیش برداری بوده است. در این مطالعه مطالب مشابه از کتابهای مختلف در ارتباط با موضوع پژوهش جمع آوری و بعد از تجزیه و تحلیل با ذکر منابع در این پژوهش به کار رفته است.

خط و زبان پارسی در دوره باستان و میانه

الف. خط: ایرانیان به توالی از چند شیوه نوشتاری استفاده کرده اند:

۱. خط میخی، که در کتیبه های هخامنشی به کار رفته است (هوار، ۱۳۷۹، ص ۱۳).
 ۲. خط آرامی، که خط درباری و رسمی هخامنشیان است، در کتابت ساده بود و در حدود سده دهم ق.م از حروف تصویر به حروف هجایی و صدادار و به ترتیب ابجد تبدیل یافته و کتابت را سهل و ساده تر ساخت.
 ۳. خط اوستایی (زند): اقتباس از خط پهلوی است. شاید بتوان تاریخی میان قرن چهارم و ششم میلادی را زمان نگارش اوستا به خط کنونی آن دانست (انوشه، ۱۳۷۹، ص ۱۴). این خط دارای ۵۳ حرف است (جوان، ۱۳۸۶، ص ۴۱۳)، ۴۴ علامت داشته و به طور جدا از راست به چپ نوشته می شد (راهجیری، ۱۳۴۵، ص ۴۰).
 ۴. خط پهلوی: خطی است که کتیبه ها و سکه های اشکانیان و تفاسیر اوستا با آن نوشته شده است (انوشه، ۱۳۷۹، ص ۱۴). همچنین بعضی لغات سامی آرامی در زبان ایرانی نفوذ و سپس در سلطنت پادشاهان اشکانی خط رسمی دولت اشکانی به شمار آمده و با زبان و لهجه پارسی که با فارسی هم ریشه است آمیخته شده و از این آمیختگی زبان و خط پهلوی پدید آمده است (جوان، ۱۳۸۶، ص ۴۱۶). علامات خط پهلوی ظاهراً ۲۵ ولی در واقع بالغ بر هزار است (پیرنیا، ۱۳۷۸، ص ۲۶۲)، و مقطع و جدا از هم و از راست به چپ نگاشته می شد، و دارای ۱۸ تا ۲۵ حرف بی صدا بود و حروف صدادار نداشت (راهجیری، ۱۳۴۵، ص ۴۰).
- ب. زبان: منشعب از زبانی فرضی به نام هند و ایرانی است که اصل زبان های اقوام هندی و ایرانی پیش از جدا شدن از یکدیگر و سکونت در هند و ایران بوده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۱). زبان های فارسی عبارت از: پهلوی، دری، فارسی، خوزی و سریانی است (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

ادوات ابتدایی کتابت ایرانیان

ایرانیان تا پیش از اسلام، مطالب خود را بر روی سنگ ها و پوست های دباغی شده گاو و میش و احیاناً روی «توز» یعنی پوست درخت «خدنک» و کاغذ حصیری قدیم «پاپیروس» و امثال آن ها می نوشته اند، و قلم های آهنی یا چوبی و نی به کار می برده اند (همایی اصفهانی، ۱۳۰۸، صص ۳۷۹ و ۳۸۱)

کتابت در دوره هخامنشی

فارسی باستان زبانی است که در دوره هخامنشیان (۵۵۹ تا ۳۳۰ ق.م) در پارس بدان تکلم می شده و تنها آثار مکتوب آن، کتیبه های شاهان هخامنشی است که به خط میخی نوشته است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۳). در عهد هخامنشیان زبان فارسی باستان به خطوط مختلف نوشته می شد که مهمترین آن ها خط میخی، اکدی و ایلامی بوده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۴). در این کتیبه ها علامات مزبور به طور افقی یا عمودی و از چپ به راست در سنگی کنده شده است (پیرنیا، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹). با این وجود زبان دیوانی و مکاتبه شاهنشاهی ایران آرامی بوده است. تعدادی از مکاتبات متعلق به قرن پنجم ق.م به زبان آرامی بر روی چرم در مصر به دست آمده است. همچنین از کتیبه داریوش در بیستون تحریری آرامی در دست است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۳). تعداد کتیبه هایی که تا به حال کشف شده، چه بر بناها و چه بر آثار و اشیاء بالغ بر چهل کتیبه است (پیرنیا، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹). علاوه بر کتیبه ها و لوح ها، بر روی سنگ وزنه و روی سکه ها و گل های پخته و بعضی ظروف نیز نوشته هایی به فارسی باستان بر جای مانده است.

کتابت در دوره اشکانی

در این عهد اسناد و نامه ها در آغاز به زبان آرامی که زبان دیوانی دوران هخامنشیان بود نوشته می شد. سپس از حدود نیمه دوم قرن اول پیش از میلاد، زبان پارسی و خط آن که از خط آرامی اقتباس شده بود جای آن را گرفت. در این دوره کتیبه ها همه به خط منفصل یا خط کتیبه ای پارسی است. علاوه بر کتیبه ها، شاهان اشکانی تا مدت ها نام خود را بر روی سکه به یونانی می نوشتند، البته گاهی کلماتی نیز به خط پارسی به چشم می خورد. همچنین مهرهایی نیز به خط پارسی در دست است که احتمالاً متعلق به اواخر دوره اشکانی است (تفضلی، ۱۳۷۸، صص ۷۵-۷۶).

کتابت در دوره ساسانی

زبان پهلوی مابین فرس قدیم و زبان امروزی فارسی است (همایی اصفهانی، ۱۳۰۸، ص ۱۹۶). اگرچه زبان پهلوی دقیقاً ریشه در ایران باستان ندارد، اما این زبان نیز مانند زبان ایران باستان نماینده گویش مردم فارس است (انوشه، ۱۳۷۹، ص ۲۲). قدیمی ترین کتابتی که به زبان پهلوی بر روی اوراقی به دست آمده، نوشته ای است که در «فیوم» واقع در مصر یافته اند، و روی پاپیروس نوشته اند. کتاب های دوره ساسانی به این زبان نوشته می شد، با این وجود، کتابتی که از دوره ساسانیان به ما رسیده باشد کم است (پیرنیا، ۱۳۷۸، صص ۲۶۰-۲۶۱). کتیبه ها به دو نوع خط نوشته شده است: خط پهلوی کتیبه ای یا منفصل و خط پهلوی کتابی یا متصل. کتیبه های قدیمی تر پهلوی مانند سنگ نوشته های ساسانی قرن سوم و چهارم میلادی به خط پهلوی کتیبه ای است، ولی کتیبه های بعدی که متأخرترین آن ها متعلق به قرن چهارم هجری است به خط کتابی است. همچنین دو نوع کتیبه وجود داشته است: ۱. کتیبه های دولتی؛ ۲. کتیبه های خصوصی (تفضلی، ۱۳۷۸، صص ۸۳-۸۴)؛ از دوران ساسانی نوشته هایی بر روی پاپیروس و پوست (چرم) در دست است، و تعدادی از سفال نوشته های به دست آمده دارای نوشته هایی با مرکب به خط پهلوی متصل است. این نوشته ها به زمانی میان نیمه دوم قرن ششم و قرن هفتم میلادی تعلق دارد. از دیگر نوشته ها می توان به تعدادی از جام های نقره ساسانی با نوشته های کوتاهی به خط پهلوی اشاره

کرد. بر روی سکه ها نیز نام و عناوین شاه ذکر شده و خط پهلوی به کار رفته است (همان، صص ۱۰۷-۱۰۹). بر روی مهرها نیز خطوط مهرهای ساسانی اسامی و القاب عده کثیری را نشان می دهد (کریستن سن، ۱۳۸۲، ص ۳۲).

اوستا

در پهلوی ابستاک یا اوستاک گویند. مطابق روایات پهلوی ۲۱ نسک بوده است (همایی اصفهانی، ۱۳۰۸، ص ۲۹۷). جز کتاب اوستا و آثار وابسته به آن هیچ اثر دیگری به این زبان در دست نیست (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۳۵). سراسر کتاب اوستا به یک زبان نوشته نشده است (انوشه، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳). متون اوستایی را بر اساس ویژگی ها و قدمت زبانی و زمانی می توان به دو دسته تقسیم کرد: متون گاهانی و متون اوستایی متأخر. جزوات اوستا جمعا مشتمل بر ۸۳۲ فصل است، اما اوستای حقیقی که منتسب به خود زرتشت باشد مشتمل بر ۱۱۹ فصل می باشد (جوان، ۱۳۸۶، ص ۴۱۶).

کتاب ها و رساله های دوره ساسانیان

۱-۷. دینکرد: در دینکرد، تمام مندرجات اوستا تجزیه گردیده و مؤلف آن در قرن نهم میلادی، تمام اوستای عهد ساسانیان را در زیر دست داشته است (پوردادوود، ۱۳۷۷، ص ۵).

۲-۷. افسون و تعویذ: در کتاب های پهلوی فقط قطعاتی از این گونه ادبیات بر جای مانده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸).

۳-۷. اوستای ساسانی: بیست و یک نسک بوده، و نسبت به اصل اوستا خیلی مختصر است (همایی اصفهانی، ۱۳۰۸، ص ۲۹۷). تنها نسکی که تا به امروز باقی مانده «وی-دئو-داته» یا وندیداد است (رضی، ۱۳۸۵، ص ۲۹).

۴-۷. گزیده های زادسپرم: کتاب را زادسپرم پسر «گشن جم» تألیف کرده که در قرن سوم هجری می زیسته است. کتاب دارای ۴ بخش عمده است که به علت افتادگی نسخه ها ناقص مانده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵).

۵-۷. بندهش: گردآورنده، «فرنخ دادگی» یا به قول تاوادیا «دادویه» بوده است (فرنخ دادگی، ۱۳۹۰، ص ۵). این کتاب شامل یک مقدمه کوتاه و ناقص، بیست و دو بخش اصلی و سرانجام پایان نوشت است (همان، ص ۱۰).

۶-۷. نامه های منوچهر: این کتاب نمونه دیگری از متون پهلوی قرون ۷ تا ۹ میلادی است که به سبک پرسش و پاسخ تدوین یافته است (صفای اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۲۱).

۷-۷. دادستان دینی: شامل پاسخ های منوچهر به نود و دو سؤال است. کتاب با مقدمه ای شروع می شود که دارای نثر پیچیده ای است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱).

۸-۷. روایات پهلوی: این روایات در اواخر قرن ۹ میلادی نگاشته شده است (صفای اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۱۴). روایات پهلوی ۲۶۰۰ کلمه را شامل می شود (صفا، ۱۳۶۹، ص ۵۰). گردآورنده اثر و زمان تألیف کتاب معلوم نیست (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۴).

۹-۷. بهرام ورجاوند: متنی است در دو بند (۲۴ سطر)، و از نظر نگارش دارای جملاتی ساده است (جی دستور، جی جاماسب آسانا، ۱۳۹۱، ص ۳۰).

۱۰-۷. وجرکرد دینی: این اثر را میدیوماه، پسر عموی زردشت، تألیف کرده است. بخش عمده ای از کتاب به زندگی نامه زردشت اختصاص دارد.

۱۱-۷. پرسشنها: مجموعه ای است مشتمل بر ۵۹ سؤال و جواب که نام پرسش کننده و پاسخ دهنده و نیز گردآورنده در رساله نیامده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶).

۱۲-۷. پیشگویی های جاماسب

- ۱-۱۲-۷. جاماسب نامه: این کتاب به سه فصل تقسیم شده است. به دنبال این سه فصل، سه قطعه کوتاه می آید.
- ۲-۱۲-۷. یادگار جاماسبی: تحریر پهلوی این کتاب از میان رفته است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴). نسخ متعددی از آن به فارسی و پازند پهلوی وجود دارد (هدایت، ۲۵۳۷، ص ۱۵۷).
- ۱۳-۷. پس دانشن کامگ: اصل پهلوی آن از میان رفته و فقط تحریر پازند آن در دست است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۴).
- ۱۴-۷. شکند گمانیک وزار: دفاع از آموزش های زرتشتی و انتقاد به دین های بیگانه است (تاوادی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰). این گزارش تألیف مردان فرخ پسر اورمزد داد است، و احتمالاً در اواخر قرن سوم هجری می زیسته است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۲).
- ۱۵-۷. درخت آسوری: در ۵۴ بند به صورت نثر و یک پایان نوشت کوتاه که در اصل به زبان پارسی بوده و سپس به پهلوی برگشته تحریر شده است (جی دستور، جی جاماسب آسانا، ۱۳۹۱، ص ۲۵). زبان متن بسیار ساده و نزدیک به زبان فارسی دری است (صفای اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۲۱).
- ۱۶-۷. کلیله و دمنه (بید پای هندی): این کتاب را ایرانیان از هندوستان باخود آورده اند، و خود بانی چند بدان افزوده اند (محجوب، ۱۳۳۶، ص ۱).
- ۱۷-۷. بلوهر و بوذاسف (بفرداسف): در دوره ساسانیان به پهلوی ترجمه و تألیف گردیده و در قرن دوم هجری به عربی ترجمه شده است.
- ۱۸-۷. سندباد نامه: این اثر از پهلوی به عربی ترجمه شده است. احتمالاً مترجم آن موسی بن عیسی الکسروی بوده باشد که ظاهراً در قرن سوم هجری می زیسته است (تفضلی، ۱۳۷۸، صص ۳۰۲-۳۰۰).
- ۱۹-۷. اندرزنامه: به اندرزنامه های پهلوی و اندرزنامه های پهلوی در کتاب های دوران اسلامی، تقسیم می شود:
- ۱-۱۹-۷. اندرزنامه های پهلوی: عموماً دارای سبکی ساده و روان هستند و جملات آنها کوتاه و روشن است (یارشاطر، ۱۳۸۱، ص ۷۷۲).
- ۲-۱۹-۷. اندرزنامه های پهلوی در کتاب های دوران اسلامی: یکی جاویدان خرد، که یکی از مهمترین آثاری است که در دوره اسلامی با مضامین اندرزهای پهلوی به زبان عربی نوشته شده است. این کتاب از آثار ابوعلی مسکویه رازی، مورخ قرن چهارم هجری است (قندهاری، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰)، و دیگری اندرزهای مزدک است که توسط روزبه بن دادویه (المقفع) مترجم مشهور متون پهلوی و ابان لاحقی به عربی ترجمه گردیده است (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۲۷۲).
- ۳-۱۹-۷. پند نامگ: کتابی است درباره اصول ایمانی؛ درست روشن نیست که عنوان این قطعه از کجا برخاسته است (تاوادی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۷).
- ۲۱-۷. ارداویراف نامه: ارداویراف نامه به ۱۰۱ فصل تقسیم و به نثری ساده نوشته شده، مطالب کتاب بسیار قدیمی به نظر می رسد و در قرن سوم هجری به رشته تحریر درآمده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۹).
- ۲۲-۷. یوشت فریان و اخت: متن دینی است، و عبارت است از معماهایی که توسط اخت، جادوگر نامی آن زمان برای یوشت که یکی از متقیان زمان خود و در حل معماها معروف بود مطرح شده است (صفای اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۲۱).
- ۲۳-۷. زند و همن یسن: در آغاز کتاب، اورمزد چهار دوره جهان را که نماد هر کدام یکی از فلزات است در رؤیا به زردشت نشان داد و کتاب با ذکر ظهور سوشانس در آخر هزاره پایان می پذیرد (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰).
- ۲۴-۷. آیین نامه: این کتاب را روزبه پسر دادویه معروف به عبدالله بن مقفع از زبان پهلوی به زبان عربی برگردانید. این کتاب در اوایل قرن دوم هجری به عربی ترجمه شده است (عبدالمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۲۵۶).

- ۲۵-۷. اسکندرنامه: در قرن دوم میلادی، قصه پردازی از مردم مصر بنام کالیستنس مجموعه ای به یونانی فراهم آورد که منشأ همه روایات موجود از قصه اسکندر است. اصل کتاب وی در دست نیست.
- ۲۶-۷. طوطی نامه: این کتاب ترجمه و اقتباس کتاب «سوکه سپتتی» سنسکریت است، که در دوره ساسانیان به پهلوی ترجمه شده است. اکنون چهار تحریر از آن به فارسی در دست است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۴).
- ۲۷-۷. خطابه: ایرانیان این دوره در این فنون مقام شامخی داشته اند و شمه ای از آثار خطابه های بلیغ و غرای سلاطین ساسانی بالاحص اردشیر بابکان در پاره ای از کتاب های ادبی و تاریخی اسلامی از قبیل شاهنامه فردوسی و مروج الذهب مسعودی نقل شده است (همایی اصفهانی، ۱۳۰۸، ص ۲۴۷).
- ۲۸-۷. تاج نامه: این کتاب حاوی صورت نطق ها و دستورها و فرمان های سلاطین و نظایر آن است. (کریستن سن، ۱۳۸۲، ص ۴۲).
- ۲۹-۷. بلاغت: در کتاب های عربی سده های نخستین دوره اسلامی غالباً اشاراتی به تبحر ایرانیان در علم بلاغت شده است. ابن ندیم عهد انوشروان را عیش البلاغه یا عین البلاغه نامیده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۴).
- ۳۰-۷. مکاتب و رسائل: منسوب به پادشاهان ساسانی است که پس از ترجمه عربی در مآخذ اسلامی با عنوان «مکاتب و رسائل» خوانده شده اند (محمدی ملایری، ۱۳۷۵، ص ۱۵۸).
- ۳۱-۷. عهد ها: این وصایا دستور عمل های شاهانه در مورد اداره مملکت خطاب به جانشینان است، و می توان آنها را وصیتنامه های سیاسی به شمار آورد، و شامل: عهد اردشیر به پسرش شاپور، عهد شاپور به پسرش هرمز، عهد قباد به پسرش خسرو انوشروان، عهد خسرو انوشیروان به پسرش هرمزد، عهد خسرو پرویز به پسرش شیرویه است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۵).
- ۳۲-۷. هزار افسان: کتاب هزار افسان مشتمل بر هزار شب و کمتر از دویست حکایت است. اصل پهلوی این کتاب در دست نیست و متن عربی آن در قرن هشتم هجری در مصر انشا شده است (همان، صص ۲۹۷-۲۹۸).
- ۳۳-۷. نامه های سیاسی: نامه تنسر (کریستن سن، ۱۳۸۲، ص ۴۰)؛ نامه های اردشیر (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۷)؛ نامه های انوشیروان؛ نامه منسوب به خسرو پرویز در پاسخ به شیرویه (همان، ص ۲۳۴).
- ۳۴-۷. خدای نامک: این اثر را روزبه پسر دادبه دانشمند شهیر قرن دوم هجری (ابن مقفع) به عربی به نام سیرالملوک الفرس ترجمه کرد (عبدالمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱)، که به دو دسته خدای نامه های سلطنتی و خدای نامه های زردشتی تقسیم می شوند (خالقی مطلق، ۱۳۵۷، ص ۱۰۷۵).
- ۳۵-۷. توقیعات: اصل پهلوی آن در دست نیست. مفصل ترین توقیعات منسوب به انوشیروان به فارسی است که شامل ۱۷۳ پرسش و پاسخ است. این کتاب از عربی به فارسی ترجمه شده ولی اصل عربی آن ظاهراً در دست نیست (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۲).
- ۳۶-۷. کارنامه اردشیر بابکان: ۵۶۰۰ واژه را دارا است (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۳۵). رویدادهای تاریخی غالباً با مطالب خیالی توأم شده است (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷، ص ۱۶۵). این اثر یکی از کهن ترین متن های پهلوی است (هدایت، ۲۵۳۷، ص ۱۵۹).
- ۳۷-۷. شاهینی: قطعه ای از آن در مورد خصوصیات اخلاقی لازم برای مأموری است که اجازه داشته است هرگاه لازم بوده به حضور شاه برسد (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۷).

- ۳۸-۷. یادگار زیریران: داستانی حماسی و بسیار زیبا دارای ۱۱۴ بند متن اصلی و ۷ بند پایان نوشت است (جی دستور، جی جاماسب آسانا، ۱۳۹۱، ص ۱۶). اثر نام برده سه هزار واژه دارد. بنویست، کتاب را به پیش از قرن سوم میلادی می رساند و به روزگار اشکانیان مربوط می سازد (عبدالمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰).
- ۳۹-۷. کارنامه انوشروان: متن پهلوی این رساله در دست نیست، اما ترجمه عربی آن را ابن مسکویه نقل کرده است. این رساله دارای ۱۲ فصل است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳).
- ۴۰-۷. بهرام چوبین نامگ: سرگذشت سردار معروف است که «جبله بن سالم» آن را به عربی ترجمه کرد.
- ۴۱-۷. شهرستان های ایران: این کتاب در ۶۰ بند است (جی دستور، جی جاماسب آسانا، ۱۳۹۱، ص ۱۶) و رساله کوچک چند صفحه ای است به زبان پهلوی که تدوین نهایی این رساله احتمالاً در قرن سوم هجری صورت گرفته، اما تدوین اولیه آن احتمالاً به اواخر دوره ساسانی باز می گردد. مؤلف این رساله ذکر نشده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۵).
- ۴۲-۷. دستوران: این نسخه به وسیله «یشوع بخت» تألیف یا ترجمه شده (کریستن سن، ۱۳۸۲، ص ۳۶) و مؤلف در نیمه دوم قرن هشتم میلادی می زیسته است (بارتلمه، ۱۳۳۷، ص ۷).
- ۴۳-۷. داستان شروین دشتی: شروین، یکی از سرداران ایرانی بوده که در زمان یکی از شاهان ساسانی می زیست. داستان شروین از زمره رمان های تاریخی بوده است. (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۵).
- ۴۴-۷. روایات آذرفرنبغ فرخزادان: شامل ۱۴۸ پاسخ آذرفرنبغ پسر فرخزاد، پیشوای زردشتیان در قرن سوم هجری به پرسش های معاصران خود است (جم، ۱۳۹۰، ص ۴).
- ۴۵-۷. پرسش های هیربد اسفندیار فرخ برزین: در این اثر ۳۰ سؤال هیربد اسفندیار فرخ برزین از موبدان آمده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۶).
- ۴۶-۷. روایات امید اشوهیشتان: متعلق به قرن چهارم هجری است (صفای اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۱۲). مجموعه ای از ۴۴ پاسخی که امید پسر اشوهیشت به پرسش های آذر گشنسب پسر مهر آتش داده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۲).
- ۴۷-۷. شایست و نشایست: این نامه دینی، دانسته نشده که نویسنده اش کیست (پوردادوود، ۱۳۸۱، ص ۱۵۸). در این کتاب نشانه ای دال بر زمان تألیف وجود ندارد. کتاب دارای ده فصل است و از آن دو نسخه اصلی وجود دارد.
- ۴۷-۷-۱. متمم شایست و نشایست: این متمم دو بخش و احتمالاً به دست چند تن گردآوری شده است. زمان گردآوری و نام گردآورنده آن ها معلوم نیست. احتمال دارد مطالب کتاب مربوط به دوران ساسانی باشد و بعد در قرن سوم هجری تدوین نهایی یافته باشد (تفضلی، ۱۳۷۸، صص ۲۸۱-۲۸۲).
- ۴۸-۷. مادیان هزار دادستان: این کتاب هفتاد و پنج ورق را در بر می گیرد (عبدالمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸). پژوهشگران زمان نگارش کتاب را آغاز سده هفتم میلادی ذکر کرده اند (کریستن سن، ۱۳۷۸، ص ۳۶). این کتاب به خط و زبان پهلوی ساسانی نوشته شد و نویسنده آن قاضی زمان خسرو پرویز است (کاکا افشار، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱).
- ۴۹-۷. روایات فرنبغ سروش: مجموعه ای مشتمل بر ۴ پاسخی که فرنبغ سروش وهرامان به سؤالات هیربد اسفندیار فرخ برزین داده است. تألیف این روایات در سال ۳۷۷ یزدگردی انجام گرفته است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۵).
- ۵۰-۷. آیین نامه نویسی: متنی است با ۴۴ بند، که دارای عنوان نیست (جی دستور، جی جاماسب آسانا، ۱۳۹۱، ص ۲۷). نگارش کتاب احتمالاً مربوط به اواخر دوران ساسانی است و به فارسی نیز ترجمه شده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۵).
- ۵۱-۷. خسرو ریدگ: متنی است مربوط به مناظره و پرسش و پاسخ خسرو قبادان و جوانی اشراف زاده (جی دستور، جی جاماسب آسانا، ۱۳۹۱، ص ۱۸). این متن به قرن ششم میلادی تعلق دارد (عبدالمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸).

- ۵۲-۷. گزارش شطرنج و وضع نرد (چترنامگ): این اثر هفتصد دو کلمه دارد و در سال ۱۸۸۵ میلادی به دست پشتون به دستور بهرام جی سنجایا چاپ شد (کریستن سن، ۱۳۷۸، ص ۳۷).
- ۵۳-۷. شگفتی ها و برجستگی های سیستان: متنی است کوتاه با ۱۶ بند (جی دستور، جی جاماسب آسانا، ۱۳۹۱، ص ۱۷). نویسنده و تاریخ تألیف آن معلوم نیست. متن این رساله در مجموعه متون پهلوی به چاپ رسیده و به فارسی ترجمه شده است (تفضلی، ۱۳۷۸، صص ۲۹۰-۲۹۱).
- ۵۴-۷. سوز سخن: متنی است دارای ۲۱ بند، این متن رساله کوچکی است که به شیوه ایراد خطابه و سخنرانی و دعا در ضیافت های رسمی در هنگام صرف شام می پردازد (جی دستور، جی جاماسب آسانا، ۱۳۹۱، ص ۲۹).
- ۵۵-۷. ماه فروردین روز خرداد: متنی است با ۴۷ بند، متن اصلی و یک پایان نوشت ۵ سطری که به توضیح وقایع (آن روز) می پردازد (همان، ص ۲۴).
- ۵۶-۷. کتاب اندرزگر: اندرزگر پسر زادن فرخ کتابی در موالید تألیف کرده است. کتاب موالید او از آثار پهلوی ترجمه شده به عربی است.
- ۵۷-۷. تنگلویش: مؤلف کتاب تئوکروس در نیمه دوم قرن اول میلادی می زیسته و کتاب او در زمان خسرو انوشروان به پهلوی و سپس در نیمه دوم قرن ششم میلادی از پهلوی به آرامی ترجمه شد (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۹).
- ۵۸-۷. وزیدگ: این کتاب به وسیله والنس ستاره شناس رومی یا اسکندرانی در سده دوم میلادی تألیف شده (جعفر دهقی، ۱۳۸۶، ص ۲۱).
- ۵۹-۷. زیج شهریاران: مطابق با سال اول جلوس یزدگرد سوم تنظیم شده (همایی اصفهانی، ۱۳۰۸، ص ۲۵۷). تألیف نهایی این کتاب احتمالاً در زمان خسرو انوشیروان انجام گرفته است، گرچه محتمل است تألیف اولیه آن به زمان شاپور اول باز گردد. این کتاب را در قرن دوم هجری ابوالحسن تیمی به عربی ترجمه کرده است (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۷).
- ۶۰-۷. فرهنگ پهلوی: یک هزار و سیصد لغت پهلوی را بر حسب موضوع آن ها با دقت دسته بندی کرده است (ریپکا و دیگران، ۱۳۷۰، ص ۱۱۵).
- ۶۱-۷. فرهنگ اویم ایوک: دارای ۲۷ فصل است. می توان حدس زد که این فرهنگ در قرن سوم یا چهارم هجری تألیف شده باشد (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۴).
- ۶۲-۷. پیمان کدخدایی: این متن با ۱۱ بند به شیوه خواستگاری، میزان مهریه و تعهدات همسران نسبت به یکدیگر می پردازد، و بنا بر مندرجات بند ۱ در تاریخ «روز دی به مهر ماه بهمن سال ۶۲۷، بیست سال پس از سلطنت یزدگرد» تدوین شده است (جی دستور، جی جاماسب آسانا، ۱۳۹۱، ص ۲۸).

فرهنگ و ادب پارسی

فرهنگ و ادب فارسی گنجینه گرانبهایی است که نمایانگر ملتی استوار است، و سابقه ای بس کهن دارد (عفیعی، ۱۳۷۶، ص ۱۳). مطالعه اوستا و سنگ نوشته های هخامنشیان نشان می دهد، ایرانیان باستان، گونه ای خود آگاهی ملی همراه با ستایش زادگاه و میهن خود داشته اند (جلیلیان، ۱۳۹۱، ص ۲۶)، و فرهنگ گسترده ایرانی، پیش از ورود عرب ها به ایران شکوفا بوده (اشپولر، ۱۳۷۷، ص ۴۰۹)، به گونه ای که در نهضت علمی دوره ساسانی، ایرانیان دارای کتابخانه های مهم و مؤلفات بسیار در هر قسمتی از علوم و آداب شده اند (همایی اصفهانی، ۱۳۰۸، ص ۲۵۲). با نگاه به فرهنگ و ادب پارسی در روزگار ساسانیان چنین استنباط می شود که زبان و ادبیات پهلوی جایگاه ویژه ای داشته است، و بزرگان آن دوران با تألیفات خویش درباره مسایل گوناگون به امورات کشور، در ابعاد سیاسی و اجتماعی پرداخته اند (عبدالمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹،

ص ۱۶۴)، به گونه ای که حتی پس از فتح ایران توسط اعراب وزیران برمکی برای نیرو گرفتن زبان فارسی، حرکت ترجمه را تقویت کردند (عاکوب، ۱۳۷۴، ص ۱۰۳)، و کسانی مانند «أبان لاحقی فسایی» و روزبه ایرانی (ابن مقفع)، دست به ترجمه گنجینه ها و یادگارهای ایران پیش از اسلام زدند (ایمانیان، ۱۳۹۱، ص ۲).

نتیجه گیری

به نظر می رسد بدون اختراع خط و زبان، زندگی فرهنگی اولیه انسان ها هرگز توسعه نمی یافت، چرا که خط و زبان، یکی از عوامل مهم همبستگی و اتحاد فرهنگی انسان ها است. اختراع خط و زبان در ایران، نشان از فرهنگ غنی این کشور دارد، و با وجود این که تمدن های کهن دیگری وجود داشتند، اما ایرانیان فرهنگ و زبان و ادب خود را کنار نگذاشتند، حتی با وجودی که از قوم و نژاد مختلفی بودند، کتاب دینی خود اوستا را که به یک خط و زبان (اوستایی) بود می خواندند و می نوشتند، که این امر نمونه ای از رشد و تحول فرهنگی در ایران و یکی دیگر از نشانه های بلوغ فکری و فرهنگی و نماد بارز یگانگی آنان بود. اگرچه فرهنگ غالب در ایران از دوره باستان تا دوره میانه، به صورت شفاهی بوده و سینه به سینه بوده، اما این بدان معنا نیست که ایرانیان فاقد کتابت بوده اند، چرا که با توجه به سیر تطور کتابت در ایران درمی یابیم، که فرهنگ کتابت، با ایجاد خط و زبان از دوران هخامنشی آغاز و در دوره ساسانی تحول می یابد. به عنوان مثال، می توان به دانشگاه جندی شاپور اشاره کرد، که نشان از دانش دوستی و خرد پروری ایرانیان دارد، به خصوص که پادشاهان دوره ساسانی علاقه فراوانی به کسب علم و دانش از خود نشان می دادند، و این علاقه مندی سبب شد، تا متون و مطالب علمی، ادبی و دینی به دلیل حجم فراوان، گردآوری و کتابت شوند. اگر چه زبان و ادب کهن فارسی صرفاً از دوره هخامنشی تا عصر ساسانی در جهان شناخته شده است، اما بر این نکته می توان تأکید نمود که ایرانیان یکی از قدیمی ترین تمدنهای تاریخ بشر را دارا بوده اند. بنا بر این می توان اذعان داشت، آنچه از فرهنگ و تمدن ایرانیان پیش از اسلام به میراث مانده، نه تنها از میان نرفته، بلکه بخش مهمی از آن به تمدن اسلامی انتقال یافته است.

منابع و مأخذ

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، اساطیر، ۱۳۶۶؛ امیر کبیر، ۱۳۸۱.
- ابوالقاسمی، محسن، تاریخ زبان فارسی، سمت، ۱۳۷۳.
- اشیپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- بارتلمه، کریستیان، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین صاحب زمانی، عطایی، ۱۳۳۷.
- پیرنیا، حسن، ایران قدیم: تاریخ مختصر ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، چاپ دوم، اساطیر، ۱۳۷۸.
- پورداوود، ابراهیم، یشت ها، اساطیر، ۱۳۷۷.
- _____، ویسپرد، اساطیر، ۱۳۸۱.
- پیگو لوسکایا، نینا، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- تاوادیا، جهانگیر، زبان و ادبیات پهلوی (فارسی میانه)، ترجمه نجم الدین سیف آبادی، چاپ سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ سوم، سخن، ۱۳۷۸.
- جوان، موسی، تاریخ اجتماعی ایران باستان: از آغاز مهاجرت به سرزمین قدیم ایران تا حمله اسکندر مقدونی، نشر علم، ۱۳۸۶.
- جی دستور، جاماسب، جی جاماسب آسانا، منوچهر، (گردآورندگان)، متن های پهلوی (کهن نامه های زبان شناسی ۳)، پژوهش سعید عریان، علمی، ۱۳۹۱.
- راهجیری، علی، تاریخ مختصر خط و سیر خوشنویسی در ایران، مشعل آزادی، ۱۳۴۵.
- رضی، هاشم، وندیداد: کتاب مغان (فرگردهای ۱ تا ۸)، اساطیر، ۱۳۸۵.
- ریپکا، یان و دیگران، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، گوتنبرگ، ۱۳۷۰.
- صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی در ایران از قدیمی ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، چاپ پنجم، امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- صفای اصفهانی، زهت، روایت امید اشوهیستان: متعلق به سده چهارم هجری، مرکز، ۱۳۷۶.
- عاکوب، عیسی، تأثیر پند پارسی بر ادب عربی، ترجمه عبدالله شریفی خجسته، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- عفیفی، رحیم، فرهنگ شعری: بر اساس آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری، چاپ دوم، سروش، ۱۳۷۶.
- فرنیغ دادگی، بندش، ترجمه مهرداد بهار، چاپ چهارم، توس، ۱۳۹۰.
- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ۱۳۷۸، صدای معاصر؛ ساحل، ۱۳۸۲.
- محمدی ملایری، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران: در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، توس، ۱۳۷۵، ۱۳۸۲.
- هدایت، صادق، زند و هومن یسن، جاویدان، ۲۵۳۷.
- همایی اصفهانی، آقا میرزا جلال الدین، تاریخ ادبیات ایران: از قدیمترین عصر تاریخی تا عصر حاضر، مطبعه الکتریکی شرق، ۱۳۰۸.
- هوار، کلمان، ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، امیر کبیر، ۱۳۷۹.

مقالات

- ایمانیان، حسین، «ابان بن عبدالحمید لاحقی و باز آفرینی نوشته های پهلوی»، زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی)، شماره ۶، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
- جعفردهقی، محمود، «سرچشمه های دانش در عهد باستان و تأثیر ایرانیان بر انتشار علوم»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۵۸، شماره ۱۸۴، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

- جلیلیان، شهرام، «ایران گرایی در الاخبار الطوال ابو حنیفه دینوری»، تاریخ اجتماعی و اقتصادی، شماره ۲، ۱۳۹۱.
- خالقی مطلق، جلال، «ابو علی بلخی»، ایران و اسلام، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۷.
- عبدالمحمدی، حمیدرضا و دیگران، «بررسی متون پهلوی غیر دینی در ادبیات عصر ساسانی»، شماره ۵۵، پارسی، ۱۳۸۹.
- قندهاری، فیروزه، «اندرنامه های کهن و بازتاب آن ها در ادبیات سده های اولیه اسلامی»، چهارمین همایش تطبیقی خودی از نگاه دیگری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- کاکا افشار، علی، «مادگان هزار دادستان: کتاب هزار رأی»، شماره ۱۹۶؛ شماره ۱۹۷، کانون وکلا، ۱۳۸۶.
- محجوب، محمد جعفر، «کلیله و دمنه»، شماره ۵، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۶.
- یارشاطر، احسان، «تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان»، ترجمه حسن انوشه، امیر کبیر، ۱۳۸۱.